

آیا این زندانی خلافکار است؟

باقر باقری

بسمه تعالی
کاملاً محرمانه

تشخیص اینکه آیا متهم مورد نظر واقعاً مرتکب خلاف شده یا نه، به عهده‌ی مقامات ذیصلاح است. لذا ماوقع را عیناً و مختصراً معروض می‌داریم. تاریخ و علت و نحوه‌ی دستگیری، همچنین اتهام و مدت محکومیت متهم در پرونده ضبط است و ارتباطی با گزارش حاضر ندارد.

ساعت دو بعدازظهر روز دوشنبه ۲۴ شهریور سال جاری، یعنی حدود شش ماه پیش، متهم فوق، به این ندامتگاه تحویل گردید. مسئولین ندامتگاه متهم را به این بند فرستادند. طبق دستور تمام وسائل او را ضبط کردیم و با یک شورت او را به داخل سلول شماره ۴ بند ۲۴ انداختیم. همان شب کاسه بشقاب، پتو و لباس زندان را به او تحویل دادیم. هنگام تحویل وسائل، متهم مقررات زندان را به نحو احسن اجرا کرد. برهنه رو به دیوار، سر به زیر روی دو زانو نشست و حرفی نزد. فقط پرسید: آیا عینک طبی ام را نمی‌دهید؟ گفتیم: نه.

مدتی بعد از قفل شدن درب سلول، متهم کلید زد. دریچه را باز کردیم. در وسائلش یک نخ سیگار داشت. آنرا می‌خواست. گفتیم: «قدغن است». حرفی نزد.

فردای آن روز، از حرکت سایه‌ی متهم در شکاف زیر در متوجه شدیم داخل سلول ورزش می‌کند. به او اخطار دادیم که طبق مقررات، نه فقط ورزش ممنوع است، بلکه حتا قدم زدن در سلول هم قدغن می‌باشد.

از آن پس، هر وقت که از چشمی‌ی در متهم را تحت نظر قرار می‌دادیم مشاهده می‌شد که درپوش توالی را بسته، روی آن نشسته و به دیوار مقابل خیره خیره نگاه می‌کند. حدود یک ماه بعد، غفلتاً متوجه موضوع عجیبی شدیم. روی دیوار سلول آثار نوشته به چشم می‌خورد. با مهر نماز سرتاسر دیوار را - بارها و بارها - نوشته و پاک کرده بود. از متهم پرسیدیم «چه چیزهایی نوشته است؟» پاسخ داد: «شعر»

جریان را گزارش کردیم. مسئولین ندامتگاه با دقت درهمی مطالب روی دیوار را بررسی کردند. اما به خاطر تراکم درهمی هیچ یک از کلمات خوانده نشدند. فقط در قسمت پائین و سمت راست دیوار یک کلمه خوانا بود: کلاغها.

از متهم سؤال شد: «یعنی چه؟» جواب داد: «کلاغها در روحم چرخ می‌زنند.» طبق دستور متهم تنبیه بدنی گردید و از او تعهد گرفته شد که دیگر روی دیوارهای سلول چیزی ننویسد.

بعد از آن تا مدتی از متهم خلافتی سر نزد. بعد از توزیع غذا، از چشمی‌ی در، او را تحت نظر قرار می‌دادیم. رو به دیوار می‌نشست و سرش پائین بود. هنگام جستجوی ماهیانه، از سلول متهم تعدادی مجسمه از خمیر نان پیدا شد. مجدداً طبق دستور تنبیه بدنی گردید. و مجسمه‌ها ضبط شد. در بین مجسمه حیوانات مختلف و دوزن هم وجود داشت.

هفته‌ی پیش، هنگام بازدید صبحگاهی، متوجه شدیم که متهم، چهار دست و پا اطراف سلول خود می‌خزد. و متوجه شدیم که گاهی متهم هر روز یک تار موز سر خود می‌کند؛ آنرا کف سلول می‌گذارد و به آن فوت می‌کند و سپس بدنبال تار موز، صبح تا شب دور سلول سینه خیز می‌رود.

وقتی مانع کار متهم شدیم پرسید: آیا خلاف قانون است؟ ما سکوت کردیم چون آئین نامه‌ی ندامتگاه به این مورد جواب صریح نداده است. و طبق دستور، منتظریم تا سلمانی، موهای متهم را از ته بتراشد.

لذا مراتب جهت صدور هرگونه دستور مقتضی معروض می‌گردد. ضمناً قابل تذکر است

■ که موهای متهم توسط سلمانی از ته تراشیده شد.

با تقدیم احترام،
مسئول بند ۲۴ خداد موسوی